

همکاری و خیر جمعی در یک مجتمع مسکونی

احمدرضا اصغرپور ماسوله^۱، عطیه صادقی^۲

چکیده

زندگی در مجتمع‌های مسکونی بدون همکاری و سازمان‌دهی کنش‌های جمعی دشوار است. نادیده گرفتن اهمیت همکاری، سرمایه‌های کوچک و پراکنده را بی‌اثر کرده، تلاش‌های خرد و دارایی‌های جمعی افراد را هدر می‌دهد و محیط ناامنی را برای افراد به وجود می‌آورد؛ از این رو در این مقاله سعی شده است تا با استفاده از روش مطالعه‌ی موردی بر پایه‌ی تحلیل نظریه‌ی زمینه‌ای و مصاحبه با ساکنان مجتمع‌های مسکونی در شهر مشهد، به فهم ذهنی آنان از همکاری دست یابیم؛ بنابراین مجتمع مسکونی لاله در شهر مشهد را از تمام زوایا مورد بررسی قرار دادیم. بر این اساس ۳۵ مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته در مورد خانوار صورت گرفت. بر پایه‌ی تحلیل یافته‌ها در مدل پارادایمی تحقیق، همکاری شکننده به عنوان هسته‌ی مرکزی شناخته شد. ساختار محدودکننده به‌عنوان شرایط زمینه‌ساز این امر مطرح گردید؛ ساختارهایی که افراد ممکن است قادر به تأثیرگذاری بر این عناصر باشند ولی کنترلی بر آن‌ها ندارد. خصایص شخصی همکاری‌گریز، فاصله‌ی تعاملی، ذهنیت منفی و کنترل مرکزی ضعیف نیز از جمله شرایط علی مدل برای شکل‌گیری همکاری شکننده است. پیامد چنین تعاملاتی این است که حتی اگر هنجارها و قواعد روشنی در مجتمع وجود داشت باشد و انضباط حاکم باشد، این شرایط بسیار ناپایدار است و در صورت وجود اقلیت مفت بران، به‌سادگی خیر جمعی مزبور می‌تواند نابود شود.

^۱ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

Asgharpour@um.ac.ir

^۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

Atiye.sadeghy@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۲

تاریخ وصول: ۹۳/۱/۳۰

واژه‌های کلیدی: همکاری شکننده، خیر جمعی، نظریه‌ی زمینه‌ای.

۱. مقدمه

بخش مهمی از حیات اجتماعی مربوط به تولید و نگهداری از منافع و کالاهایی است که مالکیت و بهره‌برداری از آن‌ها جمعی است، یعنی بیش از یک نفر در منابع و هزینه‌های آن کالاها شریک است. جمعی بودن، ویژگی‌های خاصی را برای این کالاها ایجاد می‌کند مانند هماهنگی و همکاری میان شرکا، توزیع منافع و هزینه‌ها میان ایشان و نیز هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مربوط به تولید و نگهداری این کالاها. بررسی کالاهای جمعی از سوی طیف متنوعی از متخصصان حوزه‌ی علوم اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد، در این زمینه جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، عالمان علم سیاست و نیز متخصصان مدیریت حضوری فعال دارند (کانازاوا، ۲۰۰، لیم، ۲۰۰۸).

انسان‌ها به گروه‌ها، جمعیت‌ها یا سازمان‌ها تعلق دارند و همین امر موجب می‌گردد منفعت فردی افراد به منفعت جمعی گره بخورد. منفعت فردی و جمعی همیشه بر هم منطبق نیست و گاهی بین آن‌ها تضاد شکل می‌گیرد. در چنین حالتی هر کنشگر در آن موقعیت با دو گزینه روبه‌رو است که باید بین آن‌ها دست به انتخاب بزند: همیارانه و ناهمیارانه. مراد از رفتار همیارانه، رفتار کردن در جهت منافع جمعی در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی است و رفتار غیر همیارانه رفتاری است که در آن منافع جمع نادیده گرفته شود (کلاک، ۱۹۹۸). برای هر کنشگر (بی‌توجه به این‌که دیگران چه می‌کنند) انتخاب گزینه‌ی غیر همیارانه، نفع بیشتری را به دنبال دارد. در برخی موقعیت‌ها اگر تعداد قابل توجهی از کنشگران گزینه‌ی غیر همیارانه را انتخاب کنند، همه (از جمله خود کنشگر) در مقایسه با وضعیتی که گزینه‌ی همیارانه را انتخاب می‌کردند، زیان بیشتری می‌برند (جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۶)؛ بنابراین همکاری در این‌گونه موقعیت‌ها ابتدا مبتنی بر سود فردی است، وی برخی افراد همزمان با بهره‌مندی از حاصل تلاش جمعی می‌توانند در انجام وظایف خود قصور کنند.

یکی از موقعیت‌هایی اجتماعی که در زندگی روزمره عمومیت دارد و به‌صورت پیمایشی قابل بررسی است، آپارتمان‌نشینی است که نوعی موقعیت دوراهی اجتماعی خرد است.

الگوی آپارتمان‌نشینی، مربوط به سبکی از زندگی است که در آن بسیاری از مفاهیم از جمله حریم‌ها و حقوق مورد بازتعریف قرار می‌گیرند. افزایش سریع جمعیت شهرها و گسترش شهرنشینی طی دهه‌های اخیر و افزایش تقاضا برای مسکن از یک‌سو، کمبود زمین و بالا بودن قیمت زمین از سوی دیگر، مردم را به سوی زندگی آپارتمانی سوق داده و می‌دهد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹). ساختار و محتوا دو مسأله‌ی مهم درباره‌ی سبک آپارتمان‌نشینی است. ساختار معماری آپارتمان و محتوا نیز روابط میان همسایگان را در برمی‌گیرد.

درباره‌ی روابط میان همسایگان می‌توان گفت ساکنان آپارتمان‌ها عمدتاً منافع فردی خود را در مقابل منافع جمعی دیگر همسایگان - ساکنان یک آپارتمان - می‌بینند. مشکلاتی چون بی‌نظمی‌های رفتاری، عدم مشارکت در جلسات، عدم رعایت نظافت، عدم پرداخت شارژ، استفاده‌ی شخصی از فضاهای عمومی، فعالیت در ساعات غیرمعمول، رفت و آمدهای زیاد ساکنان و مهمانان، میزان رفت‌وآمد آشنایان، تعداد اتومبیل‌ها و جای پارک‌ها، سروصدای زیاد در آپارتمان، از جمله مواردی هستند که در مجتمع‌های مسکونی وجود دارد و افراد باید در هرکدام از موقعیت‌های مذکور نفع فردی خویش یا نفع جمعی را در نظر بگیرند.

توجه به نفع جمعی منجر به شکل‌گیری همکاری شده و شکل‌گیری کالای جمعی پیامد آن است. عوامل متعددی باعث می‌گردد افراد تن به تمایلات جمع‌گرایانه داده و الزامات آپارتمان‌نشینی را رعایت کنند یا نسبت به آن بی‌توجه باشند. در این پژوهش، هدف نگارندگان بررسی عوامل و شرایط شکل‌گیری همکاری و کالای جمعی از نقطه‌نظر ساکنان است، چرا که وجود حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه جهت شکل‌گیری نظم اجتماعی برای هر مجتمع ضرورت دارد. نادیده گرفتن حقوق جمع نیز یکی از سؤالات و معضلات اساسی است که همواره مورد توجه صاحب‌نظران جامعه‌شناسی بوده و هست. کم بودن تمایلات جمع‌گرایانه و ناتوانی در تولید کالاهای جمعی در هر جامعه‌ای می‌تواند پیامدها و آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد.

۲. پیشینه‌ی نظری

۱- چن و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی به مقایسه‌ی دوراهی اجتماعی بین رفتارهای همیارانه دانشجویان تایوان و آمریکا پرداختند. آن‌ها تأثیر مجازات را بر رفتار همیارانه مطالعه کرده‌اند. در این مطالعه در اغلب موارد هر فرد به انجام کاری برای منفعت شخصی خویش می‌پردازد که ممکن است به جمع به‌عنوان یک کل ضرر برساند. از نظر آنان رفتار خودخواهانه در شرق بسیار فراگیر است. چند عامل بسیار مهم وجود دارد که بر درجه‌ی همکاری یا رقابت تأثیر می‌گذارد: مجازات و تنبیه، انگیزه‌ی شخصی، ارتباطات میان فردی و ترکیب گروه تصمیم‌گیری. با کاهش شدت مجازات، افراد بیشتر رفتار خودخواهانه بروز خواهند داد و با انگیزه‌ی به‌حد اکثر رساندن اهداف فردی بیشتر با یکدیگر به رقابت می‌پردازند؛ درحالی‌که افرادی که اهداف جمعی دارند رقابت کمتری دارند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد افراد از دو فرهنگ در رفتارهای همیارانه باهم متفاوت هستند. افراد تایوانی نسبت به آمریکایی‌ها رقابتی‌تر می‌باشند. احتمال نظارت و تنبیه دو عامل مهم در رفتار تایوانی‌ها است درحالی‌که تنها احتمال نظارت که از آن اطلاع داشته باشند یا نه بر رفتار دانش‌آموزان آمریکایی تأثیر دارد. تایوانی‌ها رتبه‌ی را در مجموع اندازه‌گیری جمعی بالایی کسب نکردند اما نسبت به آمریکایی‌ها رتبه‌ی بالاتری در جمع نسبت به همسر، والدین و اقوام دارند و رتبه‌ی کمتری را نسبت به همکلاسی‌ها و دوستانشان دارند؛ بنابراین تایوانی‌ها در تعامل با همکاران و دوستان خودخواه‌تر از افراد آمریکایی بودند.

۲- چاتیاس، سولودکین و بارون (۱۹۸۸)، به نقل از جوادی یگانه، (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «نگرش دانشجویان نسبت به دوراهی اجتماعی در بین دانشجویان آمریکا، آرژانتین و مکزیک» پرسش‌نامه‌ای با پنج دوراهی اجتماعی و دو دوراهی شخصی فرضی طراحی نمودند و به دانشجویان دانشگاه ایالت متحده، آرژانتین و مکزیک دادند. دانشجویان آمریکای لاتین (آرژانتین و مکزیک) با دانشجویان آمریکایی تفاوتی در تمایل به همکاری در موقعیت‌های دوراهی نداشتند اما دانشجویان

آمریکای لاتین فکر می‌کردند دیگران تمایل کمتری به همکاری دارند. آنان اعتقاد داشتند همکاری با تمایل به همکاری همبسته است. دانشجویان آمریکای لاتین اعتقاد بیشتری داشتند که همکاری در درازمدت برای فرد دارای مزیت است؛ همچنین آنان به این نتیجه دست یافتند که زنان بیشتر از مردان همکاری می‌کنند درحالی‌که در بین آمریکایی‌ها این‌گونه نبود. هیچ تفاوتی از حیث در دوره‌های شخصی نیز یافت نگردید.

۳- کلاک (۱۹۸۸) در پژوهش خود با «عنوان دوره‌های اجتماعی: تجزیه‌ی همکاری» بیان می‌کند مطالعه‌ی دوره‌های اجتماعی مطالعه‌ی تنش بین عقلانیت فردی و جمعی است. وی در مقاله‌ی خود در مورد طبقه‌بندی‌های دوره‌های اجتماعی (انواع دوره‌های دونفره و چندنفره) و چگونگی ساخت آن‌ها بحث می‌کند و همچنین راه‌حل‌هایی را جهت دوره‌های اجتماعی ارائه می‌کند. این راه‌حل‌ها بر اساس این‌که افراد خودخواه باشند یا ساختار موقعیت تغییر کند تنظیم شده‌اند. وی یکی از راه‌حل‌های انگیزشی حل مسأله دوره‌های اجتماعی به نفع جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه را، ارتباطات می‌داند. از نظر وی هنگامی که افراد فرصت پیدا می‌کنند تا با یکدیگر حرف بزنند، همکاری افزایش می‌یابد.

۴- معیدفر و دربندی در پژوهش خود با عنوان «بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه‌ی شهروندان تهرانی» تلاش کرده‌اند تا متغیرهای تأثیرگذار بر جمع‌گرایی با همکاری دوره‌های اجتماعی را شناسایی نمایند. بر مبنای فرضیه‌های تحقیق آنان، متغیرهای تعهد عام، اعتماد به همکاری دیگران، رضایت از زندگی، دریافت‌های متقاعدکننده و تجربه‌ی واکنش منفی دیگران بر جمع‌گرایی مؤثر است. رفتار جمع‌گرایانه‌ی مورد بررسی، توقف عابران در برابر چراغ‌قرمز است. نمونه‌ی تحقیق آنان شامل ۳۰۰ نفر از عابرانی است که از سه تقاطع پرازدحام در جنوب، مرکز و شمال تهران قصد عبور از چراغ‌قرمز را داشته‌اند. بر پایه‌ی تحلیل یافته‌های تحقیق رابطه‌ی همه‌ی متغیرها - بجز رضایت از زندگی و تجربه‌ی واکنش منفی دیگران - با متغیر وابسته تأیید شد.

۵- جوادی یگانه و هاشمی (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «تعارض نفع فردی و نفع جمعی (دوراهی اجتماعی) و عوامل مؤثر بر آن» بیان کنند که دوراهی اجتماعی موقعیتی است که در آن، هر کنشگر با دو گزینه روبه‌رو است: همیارانه و غیر همیارانه. عوامل مؤثر بر رفتار در دوراهی، شامل عوامل موقعیتی، شخصیتی و فضای کنش است. در این تحقیق از روش پیمایش (جمعیت نمونه شامل ۷۳۰ فرد ۱۵ سال به بالای ساکن تهران) استفاده شده است. برای آزمون فرضیات از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که میزان رفتار همیارانه پاسخگویان در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی، بین ۶۵ تا ۸۵ درصد، و میزان رفتار همیارانه مردم از نظر پاسخگویان بین ۲۰ تا ۴۰ درصد است. فرضیات تحقیق شامل تأثیر عوامل شخصیتی (جهت‌گیری مذهبی و نوع شخصیت، یا جهت‌گیری ارزش‌های اجتماعی) موقعیتی (اعتقاد به اثربخشی عمل جمعی، شرایط دوستانه یا رقابتی حاکم بر موقعیت ارتباط میان کنشگران در موقعیت، اطلاع از پیامدهای غیرهمیارانه در دوراهی اجتماعی، تأثیر تجربه قبلی) و فضای کنش (هنجارهای حاکم بر کنش، نوع رابطه و نوع موقعیت کنش) بر رفتار افراد در موقعیت‌های دوراهی اجتماعی تأیید شد.

۶- بررسی میزان و تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر روابط اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی دو منطقه از شهر اصفهان) انصاری، عطایی (۱۳۹۱) تلاش می‌کند تا به بررسی تأثیر این عامل در شکل‌گیری روابط در مجتمع‌های مسکونی بپردازد. آنان معتقدند با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی؛ اعتماد، مشارکت و مسؤلیت اجتماعی نیز بالاتر خواهد رفت و طبعاً آرامش بیشتری بر فضای مسکونی حاکم می‌گردد. آنان از نظریه‌های دورکیم، مارکس، کلمن، بوردیو و فوکویاما برای تحلیل سرمایه‌ی اجتماعی استفاده می‌کنند و پس از بررسی نظریات، مدل تجربی تحقیق خود را ترسیم می‌کنند. در این مدل متغیر سرمایه‌ی اجتماعی که به‌عنوان متغیر مستقل شناخته می‌شود از چندین مؤلفه تشکیل شده است که بر روابط اجتماعی بین ساکنان مجتمع مسکونی به‌عنوان متغیر وابسته تأثیرگذار است. چند متغیر وابسته‌ی

اصلی وجود دارد که فرض می‌شود بر سرمایه‌ی اجتماعی تأثیرگذار باشند؛ متغیرهای مذکور عبارت است از: آگاهی، اعتماد، مشارکت، تعهد اجتماعی، تکالیف اجتماعی؛ از این رو دو منطقه‌ی ملک‌شهر و سپاهان‌شهر را انتخاب کرده و از بین آپارتمان‌نشین‌های هر کدام از آن مناطق ۱۹۲ نفر را به صورت در دسترس انتخاب کردند. یافته‌های تحقیق آنان نشان می‌دهد سرمایه‌ی اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی در هر دو منطقه بر روابط آنان تأثیر دارد. فرض دوم آنان نیز که تأثیر آگاهی بین شخصی ساکنان مجتمع بر روابط آنها بود در منطقه‌ی ملک‌شهر رد و در منطقه‌ی سپاهان‌شهر تأیید گردید. فرضیه‌ی سوم که بیانگر رابطه‌ی اعتماد و روابط اجتماعی بود نیز تأیید گردید. اعتماد دارای خاصیت تقویت‌کننده‌ی روابط است بنابراین در صورتی که شهروندان به یکدیگر اعتماد کنند، آنها بیشتر می‌توانند از روی میل و همکاری روابط بهتری شکل دهند. فرض چهارم آنان نیز که میزان مشارکت بر روابط را می‌سنجید نیز تأیید گردید. آنان معتقدند که این فرضیه با دیدگاه کلمن قابل تبیین است؛ کلمن معتقد است مشارکت بین افراد منجر به شکل‌گیری انتظارات و تعهدات افراد می‌گردد، معیارهایی برای رفتارهای هم‌نوا ایجاد می‌کند و در روابط بین آنان مؤثر است. علاوه بر کلمن پاتنام نیز معتقد است وجود مشارکت مدنی بویژه انجمن‌های همسایگی باعث می‌گردد شهروندان برای منافع متقابل با یکدیگر روابط بهتری داشته باشند. فرضیه‌ی آخر آنان نیز به این ترتیب تأیید شد که تعهد اجتماعی بین ساکنان مجتمع بر روابط اقتصادی آنان تأثیر دارد.

۷- آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، مطالعه‌ی موردی: شهر زاهدان نوشته‌ی ابراهیم‌زاده (۱۳۸۹). هدف اصلی نویسنده درک روند رشد آپارتمان‌نشینی در شهر زاهدان و مسائل و مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن است. جامعه‌ی آماری او بخشی از خانوارهای ساکن چهار دسته آپارتمان استیجاری، مشارکتی، تعاونی و شخصی‌ساز تشکیل می‌دهند. از مجموع ۴۰۰۰ واحد آپارتمانی، حدود ۱۰ درصد به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب گردید. در مجموع

مهمترین مشکل آپارتمان‌نشینی در شهر زاهدان تنوع فرهنگی بسیاری است که در بین ساکنان مجتمع‌های مسکونی دیده می‌شود و از این رو تضاد فرهنگی به جهت وجود خرده‌فرهنگ‌های متفاوت حاصل می‌گردد. این تضاد فرهنگی با توجه به نزدیک بودن در مجتمع‌ها بیشتر جلوه می‌کند. همین عوامل باعث شده است تا روابط صحیح اجتماعی در واحدهای مسکونی شکل نگیرد و ناسازگاری و تنش در این مجتمع‌ها دیده شود.

۸- جهانگیری و همکاران (۱۳۸۵) در «بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس: مطالعه‌ی موردی شهر شیراز» پس از مرور اجمالی بر سوابق تجربی آپارتمان‌نشینی، چارچوب نظری خود را مطرح نمودند و در نهایت با استفاده از چارچوب نظری، مدل تجربی مقاله‌ی خود را طراحی کردند که در آن متغیرهای مستقل شامل سه دسته می‌شود:

- متغیرهای جمعیت‌شناختی: تحصیلات، میزان درآمد، بعد خانوار، محل تولد.
- مشخصات فیزیکی: سطح زیربنا، تعداد طبقات، تعداد واحدها، تعداد اتاق‌ها.
- متغیرهای فرهنگی و اجتماعی: قومیت، سابقه آپارتمان‌نشینی، نوع مدیریت مجموعه، داشتن یا نداشتن مدیر درمجموع.

متغیر وابسته نیز پیامدهای اجتماعی فرهنگی آپارتمان‌نشینی شامل رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی، احساس امنیت، احساس انزوا، موفقیت تحصیلی فرزندان، اعتماد اجتماعی است.

روش مورد استفاده‌ی جهانگیری و همکاران از نوع کمی بوده و جامعه‌ی آماری آنان تعداد کل واحدهای مسکونی شیراز است. با توجه به جامعه‌ی ناهمگون از لحاظ وضعیت اقتصادی، شیوه‌ی نمونه‌گیری شیوه‌ی طبقه‌بندی تصادفی انتخاب شده است. آنان ۲۱ فرضیه را مورد آزمون قرار دادند و از میان فرضیات آنان چهار فرضیه مورد تأیید قرار گرفت که عبارت بودند از:

- سطح زیربنا با رضایت‌مندی از آپارتمان‌نشینی رابطه‌ی مثبت دارد چراکه مردم اغلب به خانه‌های حیاط دار و بزرگ عادت دارند و همین امر در مجتمع

مسکونی در میزان رضایت آنان تأثیرگذار است.

- تعداد طبقات مجتمع مسکونی با احساس بیگانگی رابطه دارد. بر اساس تئوری ورث بین ازدحام و احساس تنهایی ساکنان شهرها رابطه وجود دارد بنابراین هرچه تعداد طبقات مجتمع بیشتر باشد، احساس تنهایی ساکنان نیز بیشتر است.
- وجود یا عدم وجود مدیر با رضایت مندی ساکنان رابطه دارد. وجود مدیر ساختمان به جهت حل سریع‌تر مشکلات و رسیدگی به امور مجتمع در رضایت مندی ساکنان بسیار تأثیرگذار است.
- نوع مدیریت مجموعه‌ی آپارتمانی با احساس تنهایی پاسخگویان رابطه دارد. آن دسته از ساکنانی که مدیریت آن‌ها به صورت هیأت مدیره متشکل از ساکنان است به نسبت ساکنان مجتمع‌هایی که دارای یک مدیر است احساس تنهایی بیشتری دارند. چراکه مجتمع‌هایی که دارای هیأت مدیره هستند از جمعیت بیشتری برخوردارند و با توجه به نظر ورث احساس تنهایی بیشتری می‌کنند.

۹- محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۰) در «مطالعه‌ی میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج» با توجه به مبانی نظری مشکلات اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق مطرح کردند که شامل چند بعد شلوغی، بی‌نظمی، ساخت فیزیکی آپارتمان، عدم مشارکت است. هر عامل دارای چندین گویه برای سنجش است. در این مطالعه از روش پیمایش استفاده شده است. جامعه‌ی آماری آنان کلیه واحدهای مسکونی آپارتمانی هستند که در سال ۱۳۸۸ مشتمل بر ۲۱۴۸۶۰ واحد می‌شود و حجم نمونه تحقیق ۲۰۰۰ واحد برآورد گردید. یافته‌های تحقیق آنان نشان می‌دهد میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی در کرج نسبتاً بالاست. مشکلات آپارتمان‌نشینی با متغیرهای تعداد واحدهای آپارتمان، قدمت آپارتمان، نوع تملک آپارتمان، میزان تغییر ساکنان، روابط همسایگی، تراکم جمعیت، کیفیت ساخت فیزیکی، کارآمدی قوانین آپارتمان‌نشینی و میزان تردد در آپارتمان همبستگی معناداری دارد که از آن میان با تغییر ساکنان، تراکم جمعیت، کارآمدی قوانین

آپارتمان‌نشینی و میزان تردد در آپارتمان رابطه‌ی مستقیمی مشاهده می‌شود اما رابطه‌ی میزان روابط همسایگی و کیفیت ساخت فیزیکی با میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی معکوس است. متغیرهای مساحت واحدها، میزان امکانات، آگاهی به قوانین آپارتمان‌نشینی، سطح تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، قومیت، نوع مسکن قبلی، جنس، سن مدت آپارتمان‌نشینی با میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی نیست. نتایج حاصل از مدل تحلیلی با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان داد متغیرهای تغییر ساکنان، روابط همسایگی، تراکم جمعیت، کیفیت ساخت فیزیکی، کارآمدی قوانین آپارتمان‌نشینی و میزان تردد در آپارتمان به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی محسوب می‌شود.

۱۰- محمدپور و همکاران (۱۳۹۲) در «مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر همدان» به بررسی مشکلات آپارتمان‌نشینی پرداختند. سؤالات تحقیق آنان عبارتند از:

- مشخصه‌های عام فرهنگ آپارتمان‌نشینی در همدان چه هستند؟
 - آپارتمان‌نشینان چه درک و تفسیری از زندگی آپارتمان‌نشینی دارند؟
 - مسائل و مشکلات فرهنگی - اجتماعی آپارتمان‌نشینی در همدان چه هستند؟
- روش تحقیق آنان مردم‌نگاری بوده و داده‌ها از طریق مصاحبه با ساکنان آپارتمان‌نشین و نیز مشاهده‌ی مستقیم گردآوری شده است. با توجه به کیفی بودن پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. مصاحبه با افراد ساکن مجتمع آپارتمانی و کسانی که در این مجتمع مشغول به کار بودند صورت گرفته است مانند: نگهبانان، خدماتی‌ها، هیأت مدیره. تعداد مصاحبه‌های آنان نیز بر اساس معیار اشباع نظری تعیین شد و در مجموع آنان با ۴۰ سکنه مصاحبه کرده‌اند. محمدپور و همکاران نتیجه می‌گیرند که فاصله‌ی تعاملی، مسأله‌ی نظافت، تنوع فرهنگی، وسعت فضای زندگی مشترک، ناآگاهی از قوانین آپارتمان، مسأله‌ی پرداخت شارژ و تردد از جمله عناصر فرهنگ آپارتمان‌نشینی در همدان است.

۳. چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی برخلاف پژوهش‌های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه

آزمایی هستند از چارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به‌هم‌مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده‌ی مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (پاتن، ۲۰۰۱ به نقل از محمد پور و ایمان، ۱۳۸۷)، به همین دلیل با توجه به کیفی بودن روش پژوهش حاضر از چارچوب مفهومی استفاده می‌گردد.

۳.۱. کنش جمعی

کنش جمعی را می‌توان کنشی دانست که در آن جمعی (بیش از یک نفر) برای رسیدن به نفعی جمعی با هم همکاری می‌کنند؛ بنابراین در این تعریف دو عنصر مهم و اساسی وجود دارد که شاکله‌ی کنش جمعی هستند: همکاری (اکسلراد، ۱۹۸۴؛ باندیرا، بارانکای و رسول، ۲۰۰۵) و نفع جمعی (مارول، اولیور و پرال، ۱۹۸۸).

۳.۲. همکاری

همکاری عبارت است از انطباق و هماهنگی سیاست‌ها در راستای منافع مشترک (واعظی)؛ به عبارت دیگر هر عضو جمع سهم خود را در تولید نفع مشترک ادا می‌کند. این ادای سهم هزینه دارد. در مقابل کسانی که همکاری می‌کنند، کسانی هم هستند که از مواهب خیر جمعی برخوردار می‌شوند اما سهم خود را در تولید خیر جمعی ادا نمی‌کنند؛ این افراد را قاصر^۳ می‌نامیم. اگر کنشگر را دارای عقلانیت ابزاری فرض کنیم آنگاه این امکان وجود دارد که هنگامی که افراد مطمئن هستند از خیر جمعی مانند دیگران بهره‌مند خواهند شد، دست به سوء استفاده بزنند و ترجیح بدهند سهم خود را در هزینه‌های تولید نپردازند (اولسون، ۱۹۶۵؛ توملا، ۱۹۹۲ به نقل از اصغرپور، ۱۳۸۸).

۳.۳. خیر جمعی

خیر جمعی یا کالای مشترک، محصول کنش جمعی است. معمولاً فرض می‌شود که اشخاص از چپستی این خیر آگاه هستند و این خیر برای آنان مطلوب است چراکه برای برخورداری از چنین خیری به جمع پیوسته‌اند. خیر جمعی انگیزه‌ی افراد برای پرداخت

³ - defector

هزینه و همکاری است. در حالت کلی اشخاصی که علاقه‌مند به برخورداری از نفعی هستند و می‌دانند به‌تنهایی قادر به تولید آن نیستند به هم می‌پیوندند تا نفع را تولید کنند (ارگاوآل و گوآل، ۲۰۰۱).

۴. ۳. استراتژی‌های کنشگران

هنگامی که کنشگران در کنش جمعی درگیر می‌شوند، در فرآیند کنش جمعی باید به انتخاب در میان کنش‌های گوناگون دست بزنند. محاسبه و تقلید دو نوع استراتژی در برخورد با کنش جمعی است.

۱. ۴. ۳. محاسبه

در فرآیند کنش جمعی کنشگران ممکن است به تحلیل موقعیت‌ها و پیامدهای آن پردازند. نظریه‌ی بازی به بررسی الگوهای دوراهی اجتماعی می‌پردازد. مشهورترین این بازی‌ها بازی دوراهی زندانی است. دوراهی اجتماعی موقعیتی است که اگر فرد از هنجارهای اجتماعی پیروی نکند، بازده یا منافع فردی برای یک شخص بالاست؛ اما وقتی همه‌ی افراد چنین کنند بازده‌ی نهایی برای همه‌ی افراد کاهش می‌یابد (ربر، ۱۹۹۵ به نقل از جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۶). دوراهی اجتماعی همراه با کنش غیرهمکارانه برای هر فردی وسوسه‌انگیز بوده و معمولاً یک نتیجه‌ی عالی برای فرد دارا می‌باشد (در کوتاه‌مدت) لیکن اگر همه‌ی افراد بدین گونه رفتار نمایند همه‌ی افراد جامعه (اغلب در درازمدت) ضرر خواهند کرد. (کولاک، ۱۹۹۸)

۲. ۴. ۳. تقلید

در بسیاری از موقعیت‌ها، کنشگران انسانی ترجیح می‌دهند به‌جای محاسبه به کمک عقلانیت محدود خود از استراتژی‌های کنشگران موفق تقلید کنند (اوستروم، ۲۰۰۰، برجیکیان، ۱۹۹۲؛ براون و وینسنت، ۲۰۰۸).

۵. ۳. ویژگی‌های اجتماع آپارتمانی

آپارتمان مجتمعی است دارای چندین خانه یا چندین طبقه که خانواده‌ها در یک قلمرو معین همسایگی زندگی می‌کنند. آپارتمان داری چندین ویژگی است: ساختمان‌های آپارتمان اغلب در درون حیات قرار گرفته‌اند. هر آپارتمان برای ساختمان خود دارای

ورودی است. (دانلوی، ۱۹۸۱: ۵۷-۸۴ به نقل از محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰). خدمات عمومی و فضاهای تفریحی به‌طور مشترک در دسترس ساکنان قرار می‌گیرد. روابط افراد معمولاً به‌صورت چهره به چهره است.

آهنگ رشد آپارتمان‌نشینی به‌مراتب سریع‌تر از آهنگ رشد و توسعه‌ی فرهنگ آپارتمان‌نشینی بوده است. آپارتمان‌نشینی در کشورهای عقب‌مانده اصولاً تضادهای زیادی را در پی داشته است. فرهنگ همسایه‌داری یا آپارتمان‌نشینی، همان هنجارها و ارزش‌ها و یا امور مادی است که برای افراد همسایه معقول و ارزشمند است و افکار و احساسات و رفتار آن‌ها را شکل داده یا به نوعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. این هنجارها همگی در ارتباط با برخورد با همسایگان است که البته گاهی ممکن است هنجارها و ارزش‌های افراد معقول و مطابق با شرع نباشند. بنابراین، همکاری به معنی عمل با یکدیگر و شیوه‌های هماهنگ با یکدیگر به منظور تعقیب هدف مشترک و بهره‌مندی از خیر جمعی است. با پیدایش هنجار همکاری نیاز به کنش جمعی برای رسیدن به خیر جمعی وجود دارد. نتیجه‌ی همکاری در خیر جمعی نهفته است. خیر جمعی کالایی است که متعلق به یک نفر نیست و همه در تولید آن کالا سهیم هستند و از منفعت آن نیز به‌طور جمعی سهم می‌برند؛ بنابراین تولید خیر جمعی مستلزم پرداخت هزینه توسط همه‌ی اعضا می‌باشد؛ در چنین شرایطی کنشگران عقلانی دست به واکاوی شرایط می‌زنند و سود و زیان خود را می‌سنجند. در برخی مواقع برخی اعضا عدم پرداخت هزینه و در عین حال سهم‌بری از خیر جمعی را عاقلانه‌تر می‌بینند بنابراین سهم خود را پرداخت نمی‌کنند و از منفعت جمعی نیز سهم می‌برند. این دسته افراد را در اصطلاح «طفیلی‌گر» می‌خوانیم. اما در صورتی که همه‌ی اعضا چنین تصمیمی بگیرند آن‌گاه کالای جمعی شکل نمی‌گیرد و همه‌ی اعضا ضرر می‌کنند.

۴. روش تحقیق

Section ۱,۰۱ ۱. ۴. مطالعه موردی

با توجه به هدف دست‌یابی به ادراک ساکنان مجتمع‌های مسکونی، مناسب‌ترین استراتژی،

استراتژی تحقیق کیفی و روش مورد استفاده نیز روش «مطالعه‌ی موردی» می‌باشد. از آنجا که قصد داریم شکل‌گیری و بروز یک پدیده‌ی پیچیده مثل روابط اجتماعی را بررسی کنیم ناگزیریم حوزه‌ی مطالعه‌ی خود را به یک مورد محدود کنیم و این مورد را تا حد امکان از تمام زوایا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تحلیل کیفی تحقیق حاضر بر اساس نظریه زمینه‌ای تحلیل شده است. نظریه‌ی زمینه‌ای، یک نظریه مسأله‌محور و مبتنی بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مسأله کمک می‌کند. در فرآیند ساخت نظریه‌ی زمینه‌ای، داده‌های گردآوری‌شده به مفاهیم یا کد تبدیل و در یک پیوستار فرآیندی به هم متصل می‌شوند (گلاسر و همکاران، ۱۹۷۶ به نقل از محمد پور و ایمان، ۱۳۸۷).

Section ۱,۰۲ ۴.۲. انتخاب مورد مطالعه

مورد بررسی تحقیق، ساکنان مجتمع مسکونی لاله واقع در بولووار شاهد شهر مشهد می‌باشد. مجتمع لاله دارای چهار بلوک بوده که هرکدام شامل ۱۴ واحد می‌شود. در مجموع ۵۴ واحد در این مجتمع وجود دارد که تعداد ۱۴ واحد از آن نیز خالی است. داده‌ها از طریق تمام‌شماری گردآوری شده است. در مجموع ۳۵ واحد مورد مصاحبه قرار گرفت. مناسب‌ترین شیوه‌ی گردآوری اطلاعات در روش زمینه‌ای، مصاحبه‌ی عمیق با افراد است که در این تحقیق مصاحبه‌ی نیمه ساخت‌یافته در مورد خانوار صورت گرفت و سعی شد با مصاحبه با افراد به ادراک آنان از چستی و عوامل همکاری و خیر جمعی پی برده شود؛ بنابراین با توجه به محدودیت‌های تحقیق^۴ ۳۵ مصاحبه در مورد خانوار صورت گرفت.

Section ۱,۰۳ ۴.۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای ارائه‌ی نظریه‌ی زمینه‌ای - که در پژوهش حاضر به عنوان روش تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد - کدگذاری گزینشی^۵ و طبقه‌بندی در کل جریان تحقیق انجام

^۴ - منظور از محدودیت‌های تحقیق این است که برخی از ساکنان مسن قادر به پاسخگویی نبودند و همچنین برخی ساکنان با مراجعات مکرر نیز در دسترس نبودند.

^۵ - coding

می‌گیرد. از نقطه‌ی شروع تحقیق، تحلیل‌گر داده‌ها را کدگذاری می‌کند. کدگذاری فرآیندی است که به وسیله‌ی آن مفاهیم با موضوعات تشخیص داده‌شده و نام‌گذاری می‌شود. داده‌ها تغییر شکل داده و محدودتر می‌شوند تا مقوله‌ها ساخته شود. از طریق ایجاد این مقوله‌ها نظریه شکل می‌گیرد (اسپتسیاله، ۱۳۸۹). سرواینسون و برگنهامر سه روش برای کدگذاری برمی‌شمارد که در این پژوهش نگارنده از این نوع کدگذاری بهره می‌گیرد:

- کدگذاری باز^۶: بررسی، برچسب زدن و مقوله‌بندی داده‌ها.
 - کدگذاری محوری^۷: این مرحله شامل تعیین الگوهای موجود در داده‌هاست.
 - کدگذاری گزینشی^۸: این مرحله شامل تعیین الگوهای موجود در داده‌هاست. در این مرحله داده‌ها را به صورت جدید کنار هم گذارده و رابطه‌ی بین مقوله‌ها را بررسی می‌کنیم (سرواینسون و برگنهامر، ۱۹۹۹ به نقل از پرویزی و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۰۲).
- پس از تعیین مقوله‌ی محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقوله‌ی محوری در قالب یک مدل ترسیم می‌شوند. این مدل که در واقع همان نظریه‌ی زمینه‌ای است باید دارای سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدها باشد.

۵. یافته‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده پس از پیاده‌سازی، کدگذاری شدند که در نهایت پنج مقوله محوری زمینه‌ساز یا مانع شکل‌گیری همکاری به دست آمد: ساختار محدودکننده، خصایص شخصی همکاری‌گریز، کنترل مرکزی ضعیف، فاصله تعاملی، ذهنیت منفی. هرکدام از مقولات مذکور نیز خود دارای زیر مجموعه‌هایی می‌باشند که به‌طور مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

داده‌های جمع‌آوری شده پس از پیاده‌سازی، کدگذاری شدند که در نهایت کدهای محوری

^۶- Open coding

^۷- Axial coding

^۸- Selective coding

زیر استخراج گردید:

جدول ۱- مقولات اولیه، محوری و گزینشی

مقوله‌ی گزینشی	مقولات محوری	مفاهیم اولیه
همکاری شکننده	ساختار محدودکننده	ضعف معماری ساختمان‌ها و تداخل حریم خصوصی
		عدم حس مالکیت
		امکانات فیزیکی مجتمع‌ها
		خوابگاه شدن منزل
		منابع مالی ناکافی
		نبود موضوع مشترک تعامل جز منافع عمومی
	خصایص شخصی همکاری-گریز	سازش ناپذیری
		انطباق ناپذیری
		منفعت‌طلبی ساکنان
	کنترل مرکزی ضعیف	بی‌سازمانی
		عدم پیگیری مدیریت
		نبود ضمانت اجرایی قوی
		عدم تماس چهره به چهره
	فاصله‌ی تعاملی	درون‌گرایی
		واگرایی ارزشی
		ترس از پیامد منفی ارتباط با همسایگان
		عدم اعتماد
		استفاده مقطعی از منزل مسکونی
		عدم باور به همکاری دیگران
	ذهنیت منفی	عدم باور به اثربخشی کنش جمعی

۱.۵. ساختار محدودکننده

ساختار محدودکننده دربرگیرنده‌ی محدودیت‌های مورفولوژی و زمینه‌ی اجتماعی است

که گروه همکار در آن قرار دارد. افراد ممکن است قادر به تأثیرگذاری بر این عناصر باشند ولی کنترلی بر آن‌ها ندارد. ضعف معماری ساختمان‌ها و تداخل حریم خصوصی، حس مکان، امکانات فیزیکی مجتمع‌ها، محدودیت‌های زمانی، منابع مالی ناکافی، نبود موضوع مشترک تعامل جز منافع عمومی، برگزار نشدن مراسم مهمانی، خوابگاه بودن منزل، مستأجر بودن از مواردی است که مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره کردند.

مورفولوژی ساختمان

توجه سازندگان ساختمان‌ها به اجرای طرح‌های عایق‌سازی در برابر صدا در این مجتمع مسکونی مانع از شکل‌گیری آلودگی صدا در ساختمان شده بود و همین امر سکوت را به‌طور خودبه‌خودی در مجتمع شکل بخشیده بود. در این زمینه یکی از افراد اظهار می‌دارد:

«اینجا ساختمانش خیلی محکمه، اصلاً صدا از این طرف تو نمیداد فقط وقت‌هایی که از جلوی در یک واحد رد میشیم صدایشون رو می‌شنویم و گرنه وقتی میریم تو خونه صدایی نمیداد»

عدم حس مالکیت

پدیدارشناسان در تعریف حس مکان به اهمیت تجربه و درک نمادها و فعالیت‌های روزمره در مکان اشاره می‌کنند. این حس می‌تواند در مکان زندگی به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. (شولتز، ۱۹۷۵ به نقل از پرتوی و همکاران، ۱۳۸۲). حضور بلندمدت یا وجود چشم‌انداز سکونت بلندمدت در یک مکان موجب می‌شود افراد سرمایه‌گذاری‌های مالی و اجتماعی بیشتری انجام دهند. مستأجرانی که تنها برای یک سال در مجتمعی زندگی می‌کنند، سرمایه‌گذاری فراوان برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی را به صرفه نمی‌دانند و حتی تمایل زیادی به بهبود کیفیت زندگی عینی محیط هم ندارند. در این زمینه یکی از افراد اظهار می‌دارد:

«متغیری که تأثیر میزازه تا بلوک بهتری باشه آینه که در اون بلوک‌ها تعداد مستأجرها خیلی کم‌تره. ما هر جا بریم با شرایط اونجا وفق پیدا می‌کنیم. چون مستأجریم مهم نیست

آگه ساکن بود چند سال می‌بودیم آره کاری می‌کردیم"

امکانات فیزیکی مجتمع‌ها

همکاری نیازمند وجود برخی شرایط و استعدادهایی است که در محیط وجود دارد. اگر محیط فاقد شرایط لازم برای این امر باشد همکاری خود به خود شکل پیدا نمی‌کند. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

«دوست داشتیم روی پشت‌بام فضای سبز ایجاد کنیم اما خوب برای این کار باید شرایطی باشه، مثلاً ایزوگام دو سه لایه باشه یا جایگاه گذاشتن صندلی رو داشته باشه که در این ساختمان استعدادش وجود ندارد»

«دوست داشتیم اینجا محیطی بود که لوازم بازی برای بچه‌ها داشت، عصر که می‌شد بچه‌ها رو اینجا می‌آوردیم تا با بچه‌های همسایه‌ها بازی کنند»

خوابگاه شدن منزل

مشغله‌های روزمره‌ی زندگی و نبود زمان کافی برای خانه‌بودن، خانه را به محلی برای خواب و استراحت تبدیل کرده است و همین امر به شکل‌گیری همکاری حداقلی و همکاری بدون هماهنگی منجر می‌گردد؛ از این رو غریبگی و میل به ناشناخته‌بودن تبدیل به هنجارهای آپارتمان‌نشینی می‌شود.

در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

"من اصلاً خانه نیستم، اصلاً اهالی ساختمان رو نمی‌بینم فقط در حد سلام و علیک. زیاد همیشه رفت و آمد داشت"

"من خودم دوست داشتم با بقیه ارتباط داشته باشم اما پیش نیامده چون همسایه‌ها هر دوشاغل هستند و گرفتار، فکر می‌کنم شاید برای اونها مقدور نیست این روزها مردم به نسبت قدیم گرفتارند. ما توی این یک سال و نیم شاید دو بار خونیه‌ی هم رفتیم"

منابع مالی ناکافی

گروه همکار باید از بنیه‌ی مالی کافی و پایداری برای پشتیبانی عملیات خود برخوردار باشد در غیر این صورت ممکن است همکاری صورت نگیرد. در این زمینه یکی از افراد

اظهار می‌دارد:

«آیفونا خرابه می‌گه نمی‌دونم از چیش خرابه همیشه درست کرد یا شاید بودجه‌اش رو نداره»

یکی دیگر از افراد می‌گوید:

«دیشب جلسه گذاشته بودند بعضی از اهالی مشکل داشتند. کلید سه هزار تومن. بعضی از اهالی با این سه هزار تومن مشکل داشتند. حالا شما تا تهش برید که پول شارژه»

نبود موضوع مشترک تعامل جز منافع جمعی

افزایش موضوع تعامل یکی از عوامل کلیدی برای انجام همکاری‌های پیچیده می‌باشد. نبود موضوع تعامل جز موارد مربوط به منافع جمعی و برگزار نشدن هیچ‌گونه مراسم مهمانی، خود می‌تواند به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز برای عدم شکل‌گیری همکاری پیچیده شناخته شود. در این زمینه مصاحبه‌شوندگان می‌گویند:

«نکات مثبت آینه که آدم‌ها به هم کاری ندارند، خیلی مجتمع ساکنی است. یکی از دلایل ساخت ساختمان. نقاط طلاق خیلی کمه و هیچ موضوع مشترکی برای تعامل وجود ندارد و فقط همون منافع عمومی است که مشترک است و زود هم حل میشه. یک زیرزمین داریم که بسیار خوبه برای جلسات اما برای انباری استفاده میشه ازش»
«برگزاری مذهبی یا عروسی اینجا اصلاً نبوده. از وقتی یادم میاد نه عروسی اینجا هست نه عزا. اینقد این مجتمع ساکنه که اگه سروصدایی بشه خودمون هم به وجد میایم»

۲.۵. خصایص شخصی همکاری‌گریز

ویژگی‌های اعضا شامل مهارت‌ها، نگرش‌ها و عقاید افراد در یک گروه همکار و همچنین فرهنگ و توان سازمان‌هایی است که این گروه‌های همکار را تشکیل می‌دهند. در نقل‌قول‌های زیر، ترجیح دایره‌ی ارتباطات محدود، ارزش‌ها و عقاید مشترک، بدقولی و بی‌نظمی در رفتارهای روزمره، پشت‌گوش انداختن پرداخت شارژ، گرفتاری‌های روزمره، منفعت‌طلبی ساکنان، بی‌تفاوتی و سازش با برخی مشکلات، تحمل سروصدا تا مقدار مشخص، سختی و دردهای تغییرات عمده نشان‌دهنده‌ی خصایص شخصی

همکاری گریز در گفتار مصاحبه‌کننده است.

سازش‌پذیری

همکاران می‌توانند به توافق دست یابند، چراکه بسیاری از تصمیم‌ها در تلاش‌های همکارانه، احتمالاً با ترجیحات و اولویت‌های تک‌تک اعضا تناسب نخواهد داشت. مشکلاتی چون سروصدای فرزندان کوچک و یا مهمانی‌های استثنایی ممکن است در مجتمع‌های مسکونی رخ دهد؛ بنابراین تساهل و مدارا در برخورد با برخی مشکلات کوچک در مجتمع‌های مسکونی میزان شکل‌گیری توافق خودبه‌خودی را بالا برده است. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

«ما آیفونمون الآن مشکل داره دنبالش رو نگرفتیم. یکی از اقوام که میاد تک میزنه درو باز می‌کنیم. ما هم دنبالش رو نگرفتیم و به سیستم تک زدن عادت کردیم. چرا پیگیری نمی‌کنید؟ این وظیفه‌ی مدیر ساختمانه. ما همزیستی مسالمت‌آمیز داریم و چون ساختمان نبوده اعتراضی هم نکردیم. بقیه هم مسالمت‌آمیز از کنار این قضیه رد شدند»
«اگه کسی در مجتمع رعایت نمی‌کرد با تذکر مشکل حل می‌شده و برخورد، پرخاش یا قانون نبوده است و اگر هم حل نمی‌شده ما ولش می‌کردیم و بی‌تفاوت می‌شدیم»

انطباق‌ناپذیری

گروه همکار توانایی حفظ و کنترل خود را در بحبوحه‌ی تغییرات عمده حتی در شرایط متغیر را دارد. تغییرات عمده در مجتمع‌های مسکونی عموماً با مقاومت افراد مواجه می‌شود چراکه افراد از بنیه‌ی مالی و حمایتی قوی برخوردار نیستند. چنانچه این بنیه وجود داشته باشد افراد خود را با شرایط و تقاضاهای عمده تطبیق می‌دهند. در این زمینه یکی از افراد اظهار می‌دارد:

«دوست داشتیم توی این محوطه یک فضایی برای ورزش بانوان ایجاد کنیم و از شهرداری هم برای تأسیسش اومدند اما برخی‌ها مخالف بودند، چون می‌گفتند اینجا شلوغ میشه و ممکنه از بیرون بیان اینجا اونوقت کنترل سخت‌تر میشه»

منفعت‌طلبی ساکنان

بی‌اهمیت بودن برخی ساکنان نسبت به مسائل، ناچیز شمردن معضل، محاسبه‌ی سود و زیان، تغییر منفعت‌طلبان هنجار از جمله مواردی است که نشانگر افزایش منفعت‌طلبی و فردگرایی در بین ساکنان است. این امور خود از جمله عواملی شناخته می‌شوند که مانع شکل‌گیری همکاری می‌گردد. در این زمینه افراد اظهار می‌دارند:

«ما که اومدیم اینجا ما فرش شستیم و ماشین شستیم. بعد گفتند که الآن قدغنه. وقتی می‌دیدم اجحاف میشه در حق بقیه. ما هم گفتیم این طوری جبران می‌کنیم.»
«بعضی‌ها می‌گن که نمیدیم. میان می‌بینن نگهبان یک لحظه چشمش بست است میگن که ما پول شارژ نمیدیم. خوب پول شارژ چه ربطی به پول گاز داره. شارژ مال برق محوطه است مال چیزای دیگست»

۳.۵. فاصله‌ی تعاملی

ارتباطات اشاره به کانال‌هایی دارد که اعضای گروه همکار استفاده می‌کنند تا اطلاعات را ارسال و دریافت کنند، یکدیگر را آگاه‌نگه‌دارند و عقاید خود را برای تأثیر بر اقدام‌های گروه انتقال دهند. ساخت برخی مجتمع‌های مسکونی به گونه‌ای است که نقاط طلاقی ساکنان با یکدیگر بسیار کم است و همین امر باعث می‌شود تماس چهره به چهره‌ی آن‌ها کمتر امکان‌پذیر باشد. علاوه بر این برخی ساکنان به‌طور قطعی از منزل استفاده می‌کنند و در حال رفت‌وآمد هستند. همین امر تعامل آنان را کم‌رنگ‌تر می‌نماید. عدم تماس چهره به چهره، ترس از پیامدهای منفی ارتباط با همسایگان، روابط در حد سلام، عدم اعتماد، استفاده مقطعی از منزل مسکونی و روابط قهرآمیز از جمله مؤلفه‌های این مقوله است که ساکنان بدان اشاره کردند:

واگرایی ارزشی

تفاوت عقاید، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد عاملی مهم در جهت عدم ارتباط با سایر همسایگان در مجتمع‌های مسکونی است. افرادی که از حیث اعتقادات با یکدیگر متفاوت می‌باشند، سعی بر دوری عاطفی از یکدیگر می‌کنند در این زمینه یکی از افراد اظهار می‌دارد:

«باید شخصیت، اعتقادات و نوع برخورد اونها به ما بخوره. مثلاً به یکی از همسایه‌ها وقتی ازون درخواستی داشتی یا تذکری می‌دادی سریع ناراحت می‌شدند یا نوع برخوردشان برخوردهای سردی بود آدم می‌فهمید که علاقه‌ای به ایجاد رابطه ندارند»

درون‌گرایی

شخصیت بسیاری از افراد درون‌گرا با سکوت و خجالت همراه است و انرژی خود را از درون خود دریافت می‌کنند. این افراد تمایل کمی به ارتباط با سایر افراد دارند. عدم علاقه به گسترش شبکه‌ی اجتماعی در برخی از افراد و منزوی بودن آن‌ها باعث می‌شود علاقه‌ای به ارتباط با همسایگان نداشته باشند و از این‌رو این دسته افراد سعی بر ناشناخته بودن و هماهنگی حداقلی با دیگران دارند. در این زمینه یکی از افراد اظهار می‌دارد:

«من چون خیلی آدم اجتماعی و برون‌گرایی نیستم خیلی ارتباطاتم کمه، یکی از این خیلی‌ها هم همسایه‌ها هستند»

تعامل اجتماعی سرد

واکنشی که همکاران به صورت غیررسمی در مقابل همکار دیگر از خود نشان می‌دهند، ابزاری برای ایجاد همکاری است. تعامل اجتماعی منفی و برخورد سرد با دیگر افراد یکی از عواملی است که واکنش منفی دیگران را در بردارد. چنانچه افراد مجتمع مسکونی دارای تعامل اجتماعی گرم باشند و مشکلات کوچک خود را با برخوردی مثبت بپذیرند و سعی در برطرف نمودن آن داشته باشند، سایر افراد نیز به مدارا و سازش با فرد مذکور تمایل پیدا می‌کنند. در این زمینه یکی از افراد اظهار می‌دارند:

«وقتی همسایه بالایی اومد، گفتیم که بریم یک سلام‌علیکی بکنیم، بده که یک‌ماهه اومدن ولی من اصلاً این خانم را ندیدم تا اینکه یک روز توی حیاط دیدمشون و یک سلام‌علیک کردیم ولی خوب برخوردشون خیلی سرد بود و گفتم من خیلی خونه نیستم و دوست داشتم پیام باهاتون آشنا بشم ولی خیلی سرد بود برای همین اصلاً رابطه‌ای بینمون ایجاد نشد»

«به یکی از همسایه‌های که می‌گفتیم ماشینت رو جابه‌جا کن به حرفمون گوش نمی‌کرد. تذکر می‌دادیم بازم به حرف نمی‌کرد. ما هم ایستادیم تا سالش تموم شه و بیرونش

کردیم.»

ترس از پیامد منفی ارتباط با همسایگان

باور به پیامدهای ارتباط با دیگران نقش بسیار مهمی در ذهنیت افراد ایجاد می‌کند. آنان ترجیح می‌دهند تا با اقوام خویش تعامل داشته باشند تا با همسایگان. برخی از ساکنان نیز از فرستادن کودکان خویش به خانه همسایگان احساس نگرانی می‌کردند. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«من فقط با یکی رابطه دارم، بچم رو فقط خونه همین یک نفر می‌فرستم بالا. بچم از پله‌ها میره بالا من احساس نگرانی می‌کنم. با چند نفر توی بلوک چهارم رابطه دارم. خانم فرهادی. خانم جلالی توی بلوک دو.»

عدم تماس چهره به چهره

مشغله‌ی روزمره همسایگان باعث شده است آنها حتی یکدیگر را در طول هفته و حتی ماه نبینن. برخی ساکنان نیز یکدیگر را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند که آیا چنین کسی جزء ساکنان است یا خیر. در این زمینه مصاحبه‌شوندگان می‌گویند:

«نه با همسایه‌ها رابطه داریم نه اونها با ما، ما اصلاً همدیگر رو نمی‌بینیم. اینجا دیگه همه شده مجردی برای خودش میاد و میره و عشق و حال می‌کنه. یکی مال یک حاج‌آقا است که با دوستاش میاد خوش میگذرونه و میره»

«ما توی بلوکمون خوشبختانه سه تا بلوک نیستند. خونه رو گرفتند گاهی برای زیارت میان هتل و اینا نمیرن میان اینجا»

«من فقط با دو سه نفر سلام‌علیک می‌کنم و بقیه رو اصلاً به اسم نمی‌شناسم و نمی‌دونم مال این بلوک هستند یا نه.»

عدم اعتماد

اعتماد نگرشی است به دنیای پیرامون، مقاصد و انگیزه‌های طرف مقابل برای برقراری روابط که حاصل تجربیات شخصی است. همکاران نسبت به سایر همسایگان دارای میزان متفاوتی اعتماد هستند. به دلیل عدم شناخت بین ساکنان اعتماد در بین آنان بسیار پایین

بوده و حتی در برابر یکدیگر نیز احساس ناامنی هستند. در این رابطه یکی از ساکنان می‌گوید:

«چون هیچ شناختی از همسایه‌ها ندارم نمی‌تونم هم فرزندم رو بفرستم خوشنون احساس نگرانی می‌کنم. و چون هیچ شناختی ندارم نمی‌تونم بگم که حاضرم بهشون ماشین یا پول بدم»

۴. ۵. کنترل مرکزی ضعیف

فردی که گروه همکار را دور هم جمع می‌کند، از مهارت‌های خط‌مشی صحیح و سازمان‌دهی امور و مشکلات برخوردار است. منابع شامل درون داده‌های انسانی هستند که برای ایجاد و بقای یک گروه همکار ضروری‌اند. با توجه به همکاری حداقلی همسایگان به یک مدیر و فردی که کنش‌ها را سازمان دهد احساس می‌شود.

عدم پیگیری

مدیریت خوب دارای مهارت سازمان‌دهی کنش‌های و ارتباط‌های میان فردی است که اگر برنامه‌ریزی و خط‌مشی مناسبی را به کار ببرد سایر همسایگان به همکاری و کنش جمعی مشتاق‌تر می‌شوند. فردی که گروه همکار را دور هم جمع می‌کند از مهارت‌های برقراری ارتباط میان فردی و سازمان‌دهی برخوردار است و این نقش را با بی‌طرفی و بدون غرض‌ورزی انجام می‌دهد. این فرد به دلیل برخورداری از چنین ویژگی‌هایی در میان اعضای همکار دارای مشروعیت و مورد احترام هست. در این رابطه ساکنان می‌گویند:

«شما خودتون کسی رو نیاوردید؟ نه ما کسی رو نیاوردیم. اینا همه کارهاییه که مدیریت باید انجام بده. چون آگه ما انجام بدیم میگن چرا این کار رو کردید بعد پولش رو نمی‌دن. یا آگه صاحب خونه بودیم مجبور می‌کردیم بیارن. ولی الآن همیشه».

«شما مستقیم گفتید؟ اولش به مدیر زنگ زدیم که به این بگید این کارو بکنید. اونم سر کار بود به این زنگ زده بود. ولی این هر کار خواست کرد».

بی‌سازمانی

مدیریت قوی می‌بایست ساکنان را نسبت به قواعد مجتمع آگاه نماید. ناپایداری قاعده، ابهام قواعد در بین ساکنین، عدم اطلاع از حقوق خود از جمله مواردی است که

نشان‌دهنده‌ی کنترل مرکزی ضعیف در مجتمع مسکونی است. در این زمینه یکی از افراد بیان می‌کند:

«یک نفر خلاف عرف رنگ رو عوض کنه. دو سه نفری زنگ زدیم بهش، اون بنده خدا هم عوض نکرد نمی‌دونسته نباید بزنه و بعد هم که زده عوض نکرد. دلش هم این بود که هزینه کرده بود. گرچه در قوانین آپارتمانی اینه که باید برای تغییر نما حتماً اجازه بگیره».

نبود ضمانت اجرایی قوی

یکی دیگر از مصداق‌های مدیریت قوی وجود ضمانت اجرایی برای پایبندی به هنجار می‌باشد. نبود و یا ضعف این امور در عدم شکل‌گیری همکاری پیچیده نقش به‌سزایی دارد؛ در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند:

«یکی درش رو چوبی کرده سر و صدا کردیم، دعوا کردیم، مدیر هم لام تا کام حرف نزد. بهشون که گفتیم گفتند به شما ربطی نداره. مدیر اولش گفت نه نباید بزارید ولی بعد دیگه هیچی. شوهرم بهش گفت باید با قاطعیت برخورد کنی، وقتی میگی نه یعنی نه. نه اینکه دو دقیقه باهات صحبت کنه بگی برو بزار»

۵. ۵. ذهنیت منفی

باور افراد به همکاری دیگران و اثربخشی کنش جمعی محرک قوی برای همکاری می‌باشد و فقدان این باور عاملی مؤثر در عدم همکاری آنان است؛ برای مثال در هر یک از موارد مصاحبه‌شوندگان می‌گویند:

عدم باور به همکاری دیگران

«شما خودتون کسی رو نیاوردید؟ نه ما کسی رو نیاوردیم. اینا همه کارهایی که مدیریت باید انجام بده. چون آگه ما انجام بدیم میگن چرا این کار رو کردید بعد پولش رو نندن. یا آگه صاحب خونه بودیم مجبور می‌کردیم بیارن. ولی الان نمیشه».

عدم باور به اثربخشی کنش جمعی

«وقتی اینجا خرابه خرابه دیگه. در بلوک رو می‌بندم باز می‌بینم باز می‌زارن. تا کسی هستی

ببندم اینا باز بگذارن».

تبعیت از مدیر

ویژگی‌های اعضا شامل مهارت‌ها، نگرش‌ها و عقاید افراد در یک گروه همکار و همچنین فرهنگ و توان سازمان‌هایی است که این گروه‌های همکار را تشکیل می‌دهند. برخی از ساکنان در چنین مواقعی ترجیح می‌دهند به جای درگیری در همکاری‌های پیچیده، کمترین همکاری یعنی تبعیت از مدیر را بپذیرند. یکی از ساکنان می‌گوید:

«نماینده بلوک هر کاری میکنه من قبول دارم من هیچ اعتراضی نمی‌کنم نماینده هر کار بنحواد میکنه»

سازگاری

گروه همکار توانایی حفظ و کنترل خود را در بحبوحه‌ی تغییرات عمده حتی در شرایط متغیر را دارد. تغییرات عمده در مجتمع‌های مسکونی عموماً با مقاومت افراد مواجه می‌شود چراکه افراد از بنیه‌ی مالی و حمایتی قوی برخوردار نیستند و حتی درگیری‌های مطرح شده امکان تطبیق با شرایط عمده را از افراد سلب می‌کند. در این رابطه ساکنان می‌گویند:

«من چند بار می‌خاستم برم با اینی که جای پارک رو رعایت نمیکنه بحث کنم و بنویسم زیر برف پاک کنش ولی شوهرم نگذاشت. اون خیلی مدارا میکنه»
«برای مشترک بودن گاز اول اعتراض کردیم که ما اصلاً خونه نیستیم، نه آب مصرف می‌کنیم نه گاز. هیچی. بعد بهمون گفتند که قانونه دیگه شما چه خونه باشید چه خونه نباشید باید پول رو بدید. ما هم قبول کردیم دیگه. گفتیم بسازیم با این قضیه»

۶. نتیجه‌گیری

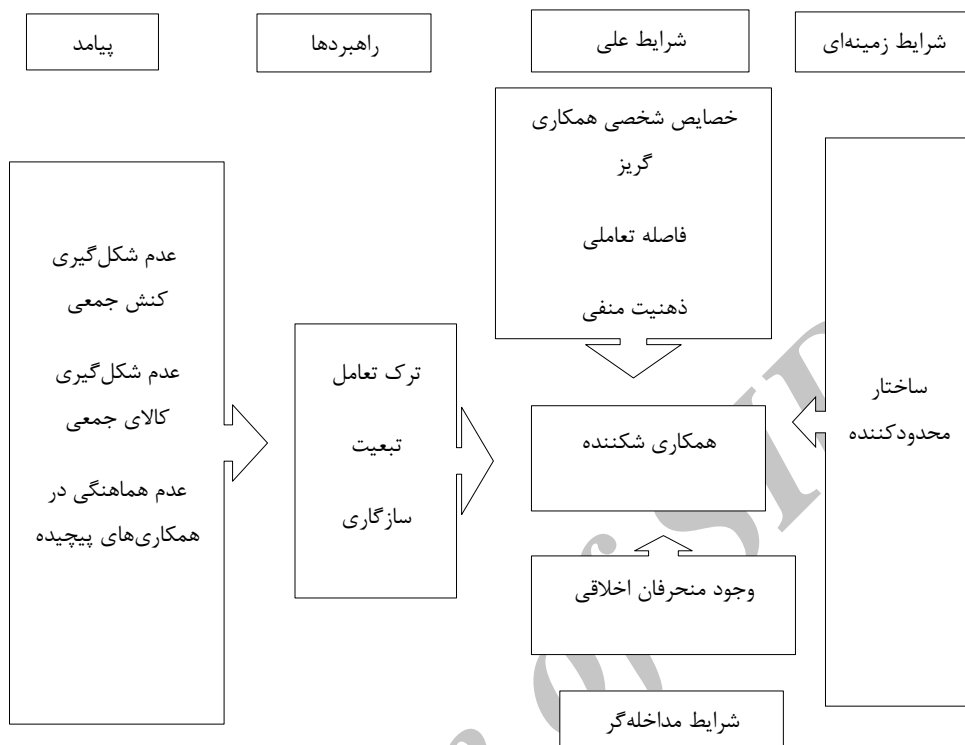
توجه به نفع فردی در مجتمع‌های مسکونی، نادیده گرفتن حقوق جمع و از بین رفتن نظم اجتماعی یکی از سؤالات و معضلات اساسی پژوهشگران است. کم بودن تمایلات جمع‌گرایانه و ناتوانی در تولید کالاهای جمعی در هر جامعه‌ای و یا اجتماع کوچک‌تر مانند مجتمع‌های مسکونی می‌تواند پیامدها و آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد. این امر سرمایه‌های کوچک و پراکنده را بی‌اثر کرده، تلاش‌های خرد و دارایی‌های جمعی

افراد را هدر می‌دهد و محیط ناامنی را برای افراد به وجود می‌آورد که ازلحاظ روحی و روانی بر کیفیت زندگی افراد تأثیرگذار است؛ ازاین‌رو نگارنده به بررسی همکاری، خیر جمعی و عوامل آن در مجتمع‌های مسکونی می‌پردازد.

برای انجام این بررسی از روش مطالعه موردی استفاده گردید و با استفاده از روش نظریه‌ی زمینه‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. مجتمع مسکونی لاله با ۵۴ واحد به‌عنوان مورد مطالعه انتخاب شد که از آن میان با ۳۵ خانوار مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده پس از پیاده‌سازی، کدگذاری شدند. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که چهارمقوله محوری در ضعف و یا تقویت همکاری، نقش اساسی ایفا می‌کند که عبارتند از: محدودیت‌های ساختاری، خصایص شخصی همکاری گریز، مختصات ارتباطی، سازمان‌دهی کنش‌ها. بر اساس مدل اشتراوس و کوربین (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰) مدل زیر نیز اتخاذ گردید.

شکل ۱- مدل پارادایمی نظریه‌ی زمینه‌ای

Archive of SID



در این مدل ساختارهای محدودکننده به عنوان عامل زمینه‌ای جهت شکل‌گیری همکاری شناخته شده است. ساختارهای کالبدی و فیزیکی زمینه‌ی شکل‌گیری کنش‌ها هستند؛ بنابراین در شرایطی که کالبد مجتمع‌های مسکونی اجازه‌ی همکاری نمی‌دهد نمی‌توان انتظار شکل‌گیری کنش جمعی را داشت. حضور بلندمدت یا وجود چشم‌انداز سکونت بلندمدت در یک مکان موجب می‌شود افراد سرمایه‌گذاری‌های مالی و اجتماعی بیشتری انجام دهند. مستأجرانی که تنها برای یک سال در مجتمعی زندگی می‌کنند سرمایه‌گذاری فراوان برای ایجاد شبکه‌های اجتماعی را به صرفه نمی‌دانند و حتی تمایل زیادی به بهبود کیفیت زندگی عینی محیط هم ندارند. علاوه بر این برخی ساکنان به منزل به‌عنوان محلی برای خواب و استراحت نگاه می‌کنند؛ از این رو تمایل دارند کمترین هماهنگی بین آن‌ها و دیگران صورت بگیرد و به همین دلیل همکاری بدون هماهنگی پیامد این امر است. در این مدل از مقوله‌هایی چون خصایص شخصی همکاری‌گریز، فاصله تعاملی، ذهنیت منفی و کنترل مرکزی ضعیف به‌عنوان عوامل علی همکاری شکننده نام برده شده است. مدرنیته ناقص شخصیت‌هایی را به وجود آورده است که نه دارای خصایص

شخصیت‌های سنتی هستند و نه خصایص شخصیت مدرن؛ نه آن قدر عام‌گرا هستند که بتوانند در کنار غریبه‌ها زندگی کنند و نه آن قدر خاص‌گرا هستند که تمایل به زندگی در کنار خویشاوندانشان را داشته باشند.

علاوه بر این، کنترل مرکزی قوی یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری همکاری می‌باشد، چنانچه فردی در مجتمع‌های مسکونی دارای قدرت و توان کنترل مرکزی باشد که بتواند گروه همکار را دورهم جمع کند و از مهارت‌های برقراری ارتباط میان فردی و سازمان‌دهی برخوردار باشد همکاری را در بین افراد افزایش می‌دهد. این فرد به دلیل برخورداری از چنین ویژگی‌هایی در میان اعضای همکار دارای مشروعیت است. در این مجتمع مسکونی یکی از عواملی که می‌تواند منحل همکاری باشد حضور تعدادی منحرف اخلاقی می‌باشد. به علت حضور چنین افرادی سایر ساکنان سعی می‌کنند کمترین تعامل را با سایرین داشته باشند تا منجر به مشکلاتی برای آنان نگردد. در چنین موقعیتی افراد ترجیح می‌دهند از دیگران پیروی کنند و راهبردهای کم‌هزینه را انتخاب نمایند. پیامد چنین تعاملاتی این است که حتی اگر هنجارها و قواعد روشنی در مجتمع وجود داشت باشد و انضباط حاکم باشد این شرایط بسیار ناپایدار است و حاصل مشارکت همگان در تولید یک خیر مشترک نیست بلکه کنشگران خاص در شرایط خاص آن را به وجود آورده‌اند به همین نسبت که سطح عموم کنشگران در تولید این خیر اندک است، در نگهداری آن نیز بسیار مستعل هستند. در نتیجه در صورت وجود اقلیت مفت‌بران، به سادگی خیر جمعی مزبور می‌تواند نابود شود چراکه نیرویی برای مقابله با آن وجود ندارد. این شرایط از یک‌سو هزینه تولید، نگهداری خیر مشترک را برای همکاری‌کنندگان حداکثری افزایش می‌دهد و به همین نسبت تولید و نگهداری آن را دشوار می‌کند، از سوی دیگر مفت بران را تشویق می‌کند چراکه می‌داند عقلانیت چندانی برای مفت‌بری وجود ندارد.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۹). آپارتمان‌نشینی در شهرهای اسلامی و مشکلات فرهنگی ناشی از آن، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ایران، زاهدان.
- آتالی، ژاک. (۱۳۸۱). برادری؛ آرمان شهر نوین، فیروزه دیلمقانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- اسپتسیاله، هلن استروبرت. (۱۳۸۹). تحقیقات کیفی در پرستاری: پیشرفت در زمینه ویژگی‌های انسانی. ترجمه‌ی مصطفی شوکت‌آبادی. تهران: صالحی.
- اشتراوس، آنسلم، کوربین، جولیت. (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه کیفی، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اصغرپور ماسوله، احمدرضا و همکاران. (۱۳۸۸). تحلیل کنش‌های جمعی و تطبیق آن با مورد بافت فرسوده منطقه ثامن در مشهد، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ششم.
- انصاری، ابراهیم و عطایی، پری. (۱۳۹۱). بررسی میزان و تأثیر سرمایه اجتماعی بر روابط اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی، فصلنامه‌ی مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دوم، شماره ۲.
- پرتوی، پروین و دیگران. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی‌شده، فصلنامه‌ی دانشگاه هنر، شماره ۳.
- پرویزی، سرور، ادیب حاج باقری، محسن، صلصالی، مهوش. (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کیفی. تهران: بشری.
- جهانگیری، جهانگیر و همکاران. (۱۳۸۵). بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آپارتمان‌نشینی در استان فارس: مطالعه‌ی موردی شهر شیراز، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱.
- جوادی یگانه، محمدرضا و هاشمی، سید ضیا. (۱۳۸۶). نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۳۳.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- محسنی تبریزی، علیرضا و همکاران. (۱۳۹۰). مطالعه میزان مشکلات آپارتمان نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج، علوم اجتماعی تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۶۰.
- محمدپور، احمد، محمدتقی ایمان. (۱۳۸۷). بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه‌ی اورامان تخت کردستان ایران: ارائه‌ی یک نظریه‌ی زمینه‌ای. فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۸.
- محمدپور، احمد و همکاران. (۱۳۹۲). مطالعه کیفی فرهنگ آپارتمان نشینی در شهر همدان، مجله‌ی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۴.
- معیدفر، سعید و دربندی، علیرضا. (۱۳۸۵). بررسی رفتار و نگرش جمع گرایانه‌ی شهروندان تهرانی، مجله‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی هفتم، شماره ۳.
- Argawal, A. and Goyal (2001): "Group size and collective action –Third-parts monitoring in common-pool resource." *Comparative political studies*.34:63-93.
- Axelrod, Robert (1984): *The Evolution of cooperation: basic books*.
- Bandiera, O.I. Barankay, and I. Rasul (2005) "cooperation in collective action." *Economics of Transition* 13:473-498.
- Berejikian, J. (1992): "Revolutionary collective action and the agent structure problem." *American political sciences review* 86:647-657.
- Brown, J.S. and T.L. Vincent (2008): "Evolution of cooperation with shared costs and benefits." *Proceeding of the royal society B-Biological Sciences* 275: 1985-1994.
- Chaitas, S. & A. Solodkin & J. Baron (1998) *Students' attitudes toward social dilemmas in Argentina, Mexico, and the United States*.
- Chen, J.M & M.L. Chang & T.H. Cheng (1997) "cross-cultural study of social dilemma: a comparison between Taiwan and American studies". *Chinese journal of psychology*.39 (1): 21-35. <https://www.sas.upenn.edu/~baron/papers.htm/virt.htm>
- Kanazawa, S. (2000): "A new solution to the collective action problem: The paradox of voter turnout." *American sociological review* 65:433-442.
- Kollock, P. (1998) "Social dilemmas: The anatomy of cooperation" *Annual Review of Sociology*, Vol: 24, Pp. 182-214.
- Lim, A. (2008): "Transnational feminist practices in Hong Kong: mobilization and collective action for sex workers rights" *Asia pacific journal of anthropology* 9: 319-331.

- Marwell, G.P.E.Oliver, and R.Prahal (1998): "social network and collective action – a theory of the critical mass.3."American journal of sociology 94:502-534.
- Ostrom, E. (2000):"collective action and the evolution of social norms," journal of Economic perspectives 14:137-158
- Van Vugt, M., & Samuelson, C. D. (1999). The impact of personal metering in the management of a natural resource crisis: A social dilemma analysis.*Personality and Social Psychology Bulletin*, 25(6), 735-750.
- Van Vugt, M., Biel, A., Snyder, M., & Tyler, T. R. (2000). Perspectives on cooperation in modern society. *Cooperation in modern society: promoting the welfare of communities, states, and organizations*, 1, 1.

Archive of SID